

واکاوی ابعاد توسعه سیاسی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه

DOI:10.22034/jeds.2023.55546.1710

دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

امیرمسعود امیرمظاهری^۱

محمود علمی^۲

اکبر مومنی‌راد^۳

حسین احمدزاده گلی^{۴*}

چکیده

افزایش توسعه سیاسی در جامعه در گرو پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری و یگانگی است؛ در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد. این مقاله با هدف تحلیل محتوای کیفی ابعاد توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. روش‌شناسی این مقاله، تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی است. جامعه آماری، برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران است. نمونه مورد بررسی برنامه ششم توسعه (۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره، بندها و اجزای قانون برنامه) است. حجم نمونه از طریق اشیاع نظری مشخص شده و روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر از نوع هدفمند هست. واحد تحلیل در پژوهش حاضر جمله (یا همان مواد و تبصره‌های متن برنامه ششم توسعه ج.ا.ا) می‌باشد. یافته‌های بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد در برنامه ششم توسعه، از میان ده مولفه توسعه سیاسی، مولفه‌های نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت، قانون‌مداری، عقلانیت و خردورزی، توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی، ظرفیت دولت، آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و امنیت روانی و سیاسی مورد توجه بوده و به سه مولفه آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی پرداخته نشده است. بنابراین، با توجه به شرایط سیاسی کشور ایران و عدم پرداختن به مولفه‌های مشارکت، رقابت و آزادی سیاسی، ضرورت پرداختن به مولفه‌های فوق و مولفه‌های دیگری که در این مقاله به آنها پرداخته نشده، بیشتر احساس می‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، توسعه سیاسی، تحلیل محتوا، روش قیاسی، ایران.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

a.amirmazaheri@gmail.com

elmim@iaut.ac.ir

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

a.momenirad@basu.ac.ir

۳. استادیار، علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

ahmadzadehgoli hossein66@gmail.com

مقدمه

یکی از زیربنایی‌ترین مسائل جوامع در جهان امروز، مقوله توسعه سیاسی است. موضوعی که علاوه بر فعالیت سیاسی این جوامع، همه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. توسعه سیاسی به معنای افزایش ظرفیت ساختارها و نهادهای حکومت، توانمندی نخبگان و نیروهای سیاسی و پویایی روابط سیاسی در جهت ساماندهی امور داخلی و خارجی یک جامعه است. بر این اساس، توسعه سیاسی، علاوه بر دموکراتیک شدن حکومت و روابط سیاسی شامل ملاک‌ها و معیارهایی چون کارآمدی حکومت و نخبگان سیاسی، توانمندی تشکلهای سیاسی و مدنی، تعادل فرهنگ و گفتارهای سیاسی و سرانجام، توانمندی شهروندان برای مشارکت هماهنگ و هم‌افزاینده در ساماندهی و بهبود امور عمومی هست (واینر و هانتینگتون، ۱۳۹۲: ۶۷). بحث توسعه تنها در ارتباط با مقوله‌ها و متغیرهای اقتصادی نیست، بلکه با توسعه سیاسی، دمکراتیزاسیون و وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی یک جامعه ارتباط دارد. ناکامی بسیاری از برنامه‌های توسعه و آشکار شدن نارسایی سیاست‌ها و فرآیندهای پیشین نسبت به توسعه و گسترش مسائل، حکایت از لزوم تلفیق جوانب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با یکدیگر دارد. همچنین، روشن شدن ملازمت رشد سریع با نابرابری فزاینده در برخی از کشورهای جهان ضرورت چنین بازاندیشی درباره مفاهیم توسعه را فراهم کرده و اولویت دادن به مؤلفه‌های مردم‌سالاری، توسعه سیاسی و حکومت‌داری شایسته در برنامه‌های توسعه را ضروری ساخته است، چندان که کشورها و سازمان‌های معتبر بین‌المللی به این مؤلفه‌ها دیگر به چشم پدیده‌های صوری و نمایشی نگاه نمی‌کنند و حتی آن را مقدم بر برنامه‌های عمرانی سنتی مانند ایجاد سد، آبرسانی، آموزش و پرورش و... می‌دانند (سن^۱، ۱۴۰۱: ۵۴-۵۲). بر این اساس، پیش‌نیاز توسعه، لزوم انجام تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی و اداری است (ترنر و هیوم^۲، ۱۳۸۴: ۳۰۴). مفهوم توسعه سیاسی برای نخبگان فکری کشورهای جهان سوم از اولویت و اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چراکه در اینگونه کشورها، فرایند توسعه و توسعه‌نیافتگی، چالش اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و همه وقایع و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود، خواه ناخواه تحت تأثیر آن قرار دارند (گیل^۳، ۲۰۰۰: ۴۲). جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های توسعه خود را به صورت پنج ساله و در افق چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ به پیش می‌برد. هدف چشم‌انداز بیست ساله تبدیل ایران به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل است. سند چشم‌انداز به ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز می‌پردازد؛ این ویژگی‌ها در هشت بند تنظیم شده‌اند و

۱. Sen

۲. Turner & Hume

۳. Gill

شامل ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. با توجه به هدف مقاله و جایگاه ویژگی‌های سیاسی می‌توان گفت که این ویژگی‌ها شامل تأکید بر مردم سالاری دینی، اتکا بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، فرصت‌های برابر به دور از فقر و تبعیض و برخوردار از وجدان کاری است. با نظر به اینکه توسعه‌نیافتگی سیاسی منجر به افول و اضمحلال گفتمان عقلانیت و خردورزی، ناکارآمدی بالای تصمیمات سیاسی، عدم علاقه و دخالت گسترده مردم در نظام سیاسی، توسعه ناکارآمدی سیستم و کاهش ظرفیت ساختار اداری دولت - حکومت و ظرفیت سیستم در برابر چالش‌ها و تمرکزگرایی سیاسی و اداری، عدم آگاهی عمومی و ... می‌شود (سریع‌القول، ۱۳۹۶: ۷۴)، می‌توان با مطالعه و کنکاش در سیاست‌گذاری‌های حوزه توسعه سیاسی از سلامت یا وجود بحران در این حوزه آگاه و در جهت تقویت و حل آنها اقدام نمود. با نگاهی به تحقیقات انجام شده در باب موضوع تحقیق حاضر می‌توان عنوان نمود که طی سال‌های اخیر عمده تحقیقات انجام شده به بررسی مبانی نظری، الگوهای کلاسیک توسعه سیاسی، بررسی موضوعاتی همچون بررسی تاثیر مشارکت سیاسی پرداخته‌اند و به ندرت می‌توان تحقیقاتی را یافت که به جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه سیاسی پرداخته باشند؛ جز تحقیق میسای و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران» که به این نتیجه رسیدند توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بوده است. ولی میزان این توجه در هر یک از برنامه‌های چهارگانه مورد بررسی (برنامه سوم «۳۱ درصد»، برنامه چهارم «۵۰ درصد»، برنامه پنجم «۵۰ درصد» و برنامه ششم «۴۳ درصد») متفاوت است؛ به عبارتی میزان توجه به توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه، حرکتی افزایشی داشته، با این استثنا که این توجه در برنامه پنجم و ششم نسبت به دو برنامه دیگر کاهش پیدا کرده است. لذا با توجه به تغییرات صورت گرفته در متن برنامه‌های پنجگانه توسعه و ضرورت توجه و تأکید بر توسعه سیاسی، در تحقیق حاضر به تحلیل محتوای کیفی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظر به مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی در ادبیات نظری تحقیق پرداخته شده است. به بیان دیگر، محقق طبق مقولات توسعه سیاسی استخراج شده از مباحث نظری، در متن برنامه ششم توسعه به دنبال شاخص‌ها و ماده و بندهای مرتبط با مقولات توسعه سیاسی پرداخته است. حال با توجه به هدف فوق می‌توان به دنبال پاسخگویی بدین پرسش بود که آیا نهاد قانونگذار به مولفه‌های توسعه سیاسی «نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت، قانون‌مداری، عقلانیت و خردورزی، توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی، ظرفیت دولت، آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و امنیت روانی و سیاسی» در برنامه ششم توسعه پرداخته است؟ در صورت پرداختن به مولفه‌های فوق، این مولفه‌ها دارای چه شاخص‌هایی است و اینکه در کدام بندهای برنامه ششم توسعه به آنها پرداخته شده است؟

پیشینه تجربی تحقیق

شیرزادی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی» ضمن اشاره به تدوین و اجرای چهار برنامه توسعه اقتصادی در دوره جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۸۸ عنوان می‌کند که ویژگی اصلی دو برنامه اول و دوم توسعه در این دوره، توجه به رشد اقتصادی و افزایش شاخص‌های کمی بوده است. در صورتیکه برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، گرایش به توسعه همه جانبه و توسعه در جامعیت آن، داشتند. برنامه سوم مواردی همچون کاهش تصدّی دولت و گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی، عدالت اجتماعی، تمرکززدایی، دسترسی عمومی به اطلاعات، حفاظت از محیط زیست، راهبرد توسعه صادرات، توجه به تحولات فرهنگی جامعه، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان، و دسترسی همگانی به غذا را مورد توجه قرار داده است و برنامه چهارم توسعه نیز مواردی همچون تعامل با اقتصاد جهانی، گسترش خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری اقتصادی، توسعه دانایی‌محور، برابری فرصت‌های آموزشی، حفظ محیط‌زیست، امنیت غذایی، دسترسی همگانی به خدمات بهداشتی، استقرار عدالت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی، ارتقاء سرمایه اجتماعی، تامین حقوق انسانی و شهروندی، حفظ و شناسایی هویت تاریخی ایرانی، تنش زدایی در مناسبات بین‌المللی، امور زنان، امنیت ملی، توسعه امور قضایی، و نوسازی دولت را مورد توجه قرار داده است.

دلاوری و راد (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «الگوهای کلاسیک توسعه سیاسی، نگاهی به تجربه اروپای غربی» بیان نموده است که با نگاه کلی به تجربه کشورهای گوناگون، دو الگوی اصلی توسعه سیاسی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد: در الگوی دولت‌محور، ظرفیت حکومت به ویژه دستگاه‌های نظامی و اداری آن افزایش یافته اما عرصه اجتماعی سیاست و روابط میان دولت و جامعه توسعه چندانی نیافته است. در این الگو، ثبات و امنیت سیاسی معمولاً در معرض فشارهای ناشی از تعارضات و منازعات آشکار و پنهانی بوده که ریشه در انسداد روابط سیاسی و شکاف میان دولت و جامعه داشته است. اما در الگوی جامعه‌محور، به موازات توسعه سازمان حکومت، نیروها و نهادهای اجتماعی و مدنی نیز توسعه یافته‌اند و روابط دولت و جامعه از تعادل برخوردار شده است. میسایی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «جهانی‌شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه)» با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی نحوه نگرش به جهانی‌شدن در این برنامه‌ها توسعه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه، هم به صورت تهدید و هم به صورت فرصت برای کشور مطرح شده است، اما جنبه‌های مثبت و فرصت برای توسعه گونه جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه تجلی بیشتری دارند، هر چند که وجود جنبه منفی و تهدیدآمیز جهانی‌شدن نیز در برنامه‌های توسعه انکارناپذیر است.

ایزدی و حیدرپور اینانلو (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی پیامدهای برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی در دوره پهلوی اول و دوم و نقش آن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران» با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که توجه عمده به توسعه اقتصادی و پروژه‌های عمرانی بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و بی‌توجهی به خواسته‌های طبقات مختلف اجتماعی، زمینه‌های اقتصادی داشته و بعدها با خواسته‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی همراه شده و بستر لازم برای شکل‌گیری تحولات سیاسی-اجتماعی را در جامعه فراهم نموده است.

جغتایی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل محتوای کیفی و کمی متن اسناد برنامه‌های توسعه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در برنامه‌های توسعه پنج‌گانه توجه مشترکی به مؤلفه‌های آموزش، حمایت و تأمین اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، بهره‌برداری بهینه از منابع و علم‌گستری و فناوری و تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار شده است. در صورتیکه برای مؤلفه‌های عدالت جنسیتی، همبستگی و انسجام ملی، هم‌گرایی قومی-نژادی، کاهش واگرایی مذهبی، جوانان، سالمندان، سلامت و ثبات خانواده، امنیت اجتماعی یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاست‌ها مبهم و کلی بوده‌اند.

اعتباریان خوراسگانی و قلی‌پورمقدم (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی» ضمن مرور نظریات موجود در حوزه توسعه سیاسی بیان نموده‌اند که به رغم گذشت بیش از نیم قرن از مطالعات نوسازی و توسعه سیاسی، روز بروز بر ابهام این مفهوم افزوده شده است و در پس مناقشات و اختلاف نظرهای صاحب نظران پنهان مانده است. امروزه با وجود انبوهی از مطالعات انجام شده در این باب، اجماع مشترکی بین صاحب‌نظران درباره این مفهوم به دست نیامده است. هر کدام از مکاتب، تعریف و معیارهای خاص خود را از این اصطلاح مطرح می‌نمایند. لذا این نوشتار در پی تطبیق نظریه‌های توسعه سیاسی بر اساس پنج طبقه‌بندی انجام شده شامل نظریه‌های توسعه سیاسی تعادلی، قابلیت محور، منفی، وابستگی و بازاندیشی است تا ویژگی‌ها، وجوه اشتراک و افتراق هریک را به طور مقایسه‌ای بیان نماید.

با بررسی تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع مقاله حاضر، می‌توان عنوان نمود که در تحقیقات انجام شده بر توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه، مقایسه نظریات توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی و از سویی به تحلیل محتوای کمی شاخص‌های توسعه سیاسی پرداخته شده است؛ در تعدادی از آنها ضمن بررسی ابعاد و مولفه‌ها، به خلاء بسیاری از مولفه‌ها در برنامه‌های پنجگانه نیز اشاره شده است. اما در هیچکدام از آنها به تحلیل محتوای قیاسی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته نشده است؛ این در صورتی است که صاحب‌نظران این حوزه در نظریات خود

به توسعه سیاسی به عنوان یکی از زمینه‌های تحقق توسعه همه جانبه پرداخته‌اند و برای آنها ابعاد و شاخص‌هایی را در نظر گرفته‌اند که با بررسی برنامه ششم توسعه و انطباق آن با نظریات فوق می‌توان به خلاء موجود در برنامه ششم توسعه دست یافت و ضمن بیان نقایص موجود در برنامه ششم، توجه دولتمردان را به این شاخص‌ها جلب نمود. از سویی تحقیقات انجام شده در خارج از کشور بیشتر جنبه کلی داشته‌اند.

مبانی نظری

امروزه مقوله توسعه دغدغه بسیاری از کشورها است. بسیاری از نظریه‌پردازان بر کاهش نابرابری‌های موجود و رفع دوگانگی‌ها به عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تاکید می‌ورزند (دیداری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۸). توسعه به معنای بهبود و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و یا فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه است. از آنجا که توسعه همه‌جانبه نیازمند پیشرفت در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، می‌توان گفت که عدم هماهنگی در بخش‌های مختلف توسعه یکی از ویژگی‌های بارز کشورهای درحال توسعه است و در همه این کشورها کم و بیش مشهود است (پاسیون^۱، ۲۰۱۹: ۲۰). توسعه سیاسی واژه‌ای جامعه‌شناختی است که به عنوان راهکاری برای کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته ارائه گردیده است. توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی دارای مفهوم ثابتی نیست: عده‌ای توسعه را تنها یک تحول مربوط به دنیای غرب می‌دانند که از آن جا ریشه گرفته است و لذا آن را الگوی مناسبی برای رهایی همه جوامع از فقر و مشکلات نمی‌دانند. عده‌ای دیگر توسعه را شرط بقای جامعه و حفظ استقلال آن می‌دانند. عده‌ای نیز اولویت را به ارزش‌ها و ایدئولوژی و عدالت اجتماعی داده و به دنبال آن توسعه را مطرح می‌کنند و آن را برای خدمت به استقلال جامعه ضروری می‌دانند. لذا می‌توان عنوان نمود که توسعه سیاسی بخشی از فرایند پیچیده توسعه ملی است که زمینه‌ها و شرایط لازم را برای نهادینه کردن امر مشارکت و رقابت سیاسی درون جامعه را فراهم می‌کند و حاصل نهایی آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۸).

هدف توسعه سیاسی به عنوان یکی از شاخه‌های توسعه، رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری و اصطلاحات در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر است. توسعه سیاسی با برخی مفاهیم دیگری از جمله مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، تبلیغات سیاسی، ارتباطات سیاسی و از همه مهمتر نوسازی در

ارتباط است (اعتباریان خوارسگانی و قلی‌پور، ۱۳۹۶:۱۲۷). به‌رغم اینکه در بسیاری از موارد توسعه و نوسازی مترادف یکدیگر بکار گرفته می‌شوند، لکن پاره‌ای از محققان، توسعه سیاسی را خیلی کلی‌تر و عام‌تر از نوسازی سیاسی تلقی می‌کنند و معتقدند که نوسازی سیاسی در بطن توسعه سیاسی جای می‌گیرد و ویژگی‌های آن را همبستگی میان ساختارها و عملکردها برای ابتکار و نوآوری، وجود ساختارهای اجتماعی انعطاف‌پذیر و تخصصی شده و بالاخره وجود چارچوب‌های اجتماعی خاص برای توسعه دانش و مهارت‌ها جهت زندگی در جهان پیشرفته تکنولوژیک می‌داند (اپتر، ۱۹۶۵ به نقل از اعتباریان خوارسگانی و قلی‌پور، ۱۳۹۶:۱۲۸). لذا می‌توان گفت که دست‌یابی به توسعه سیاسی (فرآیندی که در جریان آن، نظام‌های ساده اقتدارگرای سیاسی جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی، احزاب سیاسی، نمایندگی و بوروکراسی‌های مدنی می‌دهند)، نیازمند آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش و اراده حاکمان از سوی دیگر است (همان). از دیدگاه آلموند و پاول^۱، توسعه سیاسی پیامد وقایعی است که ریشه در محیط داخلی-بین‌المللی و نخبگان سیاسی درون سیستم سیاسی دارد. یک سیستم سیاسی را زمانی می‌توان توسعه یافته دانست که از قابلیت‌های لازم برای برخورد موفقیت‌آمیز با چالش‌ها برخوردار باشد. هر سیستم سیاسی با چهار مشکل و چالش مواجه بوده است و یا مواجه خواهد شد که عبارتند از: حکومت‌سازی، ملت‌سازی، مشارکت و توزیع یا رفاه (نظری و همکاران، ۱۳۹۲:۱۴۰). پای^۲ توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی‌شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می‌داند. بدین ترتیب از نظر او معیارهای توسعه سیاسی عبارتند از: برابری، ظرفیت، تغییر تدریجی (پای، ۱۹۶۳:۱۹).

بنیامین^۳ نیز فرآیند توسعه سیاسی را مجموعه‌ای از تغییرات سیاسی و تاریخی می‌داند که همراه با صنعتی شدن در جامعه رخ می‌دهد. وی مشارکت سیاسی، نهادینه کردن سیاسی و یکپارچگی ملی را به عنوان شاخصه‌های توسعه سیاسی معرفی کرده است (هدی، ۱۹۷۸:۱۲۳). پالمر^۴ اصطلاحات نوسازی و توسعه را کاملاً مترادف می‌داند. دولت، داشتن فرصت برابر برای تحصیلات، سلامت، امنیت، استخدام و مشارکت برابر همگان در تصمیم‌گیری سیاسی را از مؤلفه‌های توسعه سیاسی می‌داند (پالمر، ۱۹۸۷:۱۵). جگورایب^۵ توسعه سیاسی را نوسازی همراه با نهادینه کردن سیاسی می‌داند. او نوسازی سیاسی را فرآیند افزایش متغیرهای عملیاتی یک حکومت نام برده است و در این رابطه از سه متغیر جهت‌گیری عقلایی، تفکیک، ساختاری و قابلیت نام برده است (هدی، ۱۳۹۰:۱۲۹). ایزنشتات^۶ توسعه سیاسی را به ساختارسیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع

1. Almond & Powell
 2. Pye
 3. Benyamin
 4. palmer
 5. Jaguaribe
 6. Aizenshtat

اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. ایزنشتات دو شاخصه مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی را به عنوان معیار توسعه سیاسی معرفی کرده است (خوراسگانی و قلی‌پور، ۱۳۹۶: ۶). هانتینگتون توسعه سیاسی را معادل نوسازی می‌داند و بر این باور است که میزان صنعتی شدن، تحرک اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی از شاخص‌های توسعه سیاسی به‌شمار می‌روند. وی معتقد است از آنجا که در فرآیند نوسازی و توسعه سیاسی، تقاضای جدید به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کند، بنابراین نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب، تجلی کند. از نظر وی، هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان اندازه نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (هانتینگتون، ۱۳۹۲: ۸۴). هانتینگتون نظریه‌های توسعه سیاسی را به سه دسته تقسیم نموده است: نظام-کارکرد^۱، فرآیند اجتماعی^۲ و تاریخ تطبیقی. طبق نظریه نخست (نظام-کارکرد) توسعه سیاسی مقدر نیست مگر با نگرش سیستماتیک. طبق این نگرش، نظام سیاسی به عنوان مجموعه منظمی که دارای ساختار، مشروعیت، درون‌داد و برون‌داد، بازخورد، محیط و توازن است، در نظر گرفته می‌شود. یک نظام سیاسی توسعه یافته، باید دارای ویژگی‌های متعدد از جمله ساختار باز و توانایی‌های پنجگانه استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی باشد. به عبارت دیگر، بتواند منابع مادی و معنوی محیط داخلی و بین‌المللی را جهت پاسخگویی بیشتر به نیازها تجهیز نماید (توانایی استخراجی)؛ اقتدار لازم برای نظارت بر رفتار افراد و گروه‌های گوناگون جامعه داشته باشد (توانایی تنظیمی)؛ ارزش‌ها، منزلت‌ها، فرصت‌ها، قدرت‌ها و کالاها و خدمات را در میان سطوح گوناگون جامعه توزیع نماید (توانایی توزیعی)؛ داده‌ها یا خروجی‌های خود را چه به صورت برنامه یا قانون و راهبرد در تبادلی با محیط با در نظر گرفتن فضای ارزشی و اعتقادی جامعه، تنظیم نماید (توانایی نمادین) و پاسخگویی تقاضاها و فشارهای داخلی و بین‌المللی باشد (توانایی پاسخگویی) (آلموند و همکاران^۳، ۱۳۹۶: ۱۳۴). در نظریه فرآیند اجتماعی، پژوهش در توسعه سیاسی با مفاهیم نظام سیاسی شروع نمی‌شود، بلکه با تمرکز بر فرآیندهای اجتماعی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی، تجاری شدن، سواد، رونق اقتصادی، و تحرک شغلی آغاز می‌گردد؛ به عبارت دیگر در این نظریه تأکید بر فرآیند است و نه نظام (دویچ^۴، ۱۹۶۱: ۵۱۵-۴۶۳). نظریه تاریخ تطبیقی از آن جهت با دو

1. System-Function
 2. Social Process
 3. Almond et al
 4. Deutsch

نظریه قبلی متفاوت است که مجریان آن نه مثل نظریه اول با الگوهای نظری شروع می‌کنند و نه مثل نظریه دوم بر رابطه میان دو یا چند متغیر تمرکز دارند، بلکه با تأکید بر مقایسه تحول دو یا چند جامعه کار خود را شروع می‌نمایند. بنابراین در این نظریه، توجه فقط معطوف به تاریخ یک جامعه نیست، بلکه درصدد مقایسه دو یا چند جامعه با یکدیگر است. سه مفهوم مهم در نظریه تاریخ تطبیقی عبارتند از نهاد، فرهنگ و رهبری (هانتینگتون، ۱۹۸۸: ۳۸۱). هانتینگتون (۱۹۶۵) چهار استدلال را برای نظریه توسعه سیاسی خود مطرح و با این دلایل، مبانی اصلی نظریه خود را بیان نموده است:

- نفی برگشت‌ناپذیری توسعه سیاسی؛ توسعه، امری بازگشت‌ناپذیر نیست، اما در حقیقت، بین دو دوره از انحطاط سیاسی قرار می‌گیرد. هانتینگتون با رد این توهّم که توسعه، امری مداوم است، از این که نظریه‌های کلاسیک توسعه‌گرا، پدیده‌های واگشت را که جایگاه مهمی در تاریخ اشغال می‌کنند، نادیده می‌گیرند، ابراز تأسف می‌کند. به نظر او، مصر زمان فراغنه، یونان و امپراتوری روم، شاهد واگردهای انحطاطی بوده‌اند که علم سیاست باید به آنها توجه کند. او معتقد است الگوی تحلیل باید دوباره به گونه‌ای بازاندیشی شود که بتواند با بی‌طرفی، مراحل توسعه و انحطاط را در نظر بگیرد.

- همه‌زمانی و همه‌مکانی بودن حوزه تحلیل توسعه‌گرایی؛ بر خلاف نظریه‌های کلاسیک که امتیاز خاصی برای جوامع معاصر قائلند و آنها را موضوع منحصر به فرد تحلیل خود قرار می‌دهند. نظریه توسعه سیاسی معتقد است که پدیده توسعه در تمام دوره‌های زندگی بشر وجود داشته است.

- متوقف نبودن توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ توسعه را نباید با نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشتباه گرفت. صنعتی شدن نه تنها یگانه منبع توسعه سیاسی نیست، بلکه گاهی مزاحم تحقق آن است و یا حداقل آن را به تعویق می‌اندازد. جوامع جهان سوم به منظور جبران تأخیر خود، اولویت را به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می‌دهند که این روند به ضرر سیاست تمام می‌شود؛ چون تحت‌الشعاع الزامات صنعتی قرار می‌گیرد. از این رو، این خطر وجود دارد که این نبود توازن در قالب اشکال کم و بیش پایدار انحطاط سیاسی تداوم یابد.

با این بیان، هانتینگتون معتقد است که باید بین نوسازی و توسعه تفاوت قائل شد. به دیگر سخن، نوسازی را نباید چیزی جز آثار مستقیم صنعتی شدن بر ساختارهای اقتصادی و سیاسی به حساب آورد. هانتینگتون معتقد است توسعه سیاسی را باید بر مبنای معیارهای مستقل سیاسی و جهان شمولی تعریف کرد که به جوامع باستان و جوامع امروز قابل تعمیم باشد، به وجهی که از نظر تحلیلی، از پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی، جدا باشد و بتواند سازوکارهای انحطاط را هم تعیین کند (هانتینگتون، ۱۹۶۵: ۳۳۰-۳۸۶). هانتینگتون اعتقاد دارد اگر یک جامعه بخواهد به اجتماع سیاسی تبدیل شود و به توسعه سیاسی دست یابد، باید قدرت هر گروهی از طریق نهادهای سیاسی اعمال شود. بر این اساس، او آن دسته از نظام‌های سیاسی را توسعه یافته تلقی می‌کند که

نهادهای پایدار، جاافتاده، پیچیده، مستقل و منسجمی داشته باشند (هانتینگتون، ۱۹۹۲: ۱۹). در واقع به نظر وی نخستین گام در توسعه سیاسی، افزایش و تمرکز منابع قدرت در دست حکومت به منظور حفظ نظم و ثبات نهادهای سیاسی موجود است. با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان مولفه‌های چهارگانه، گذار به توسعه سیاسی را در سه موضوع؛ دولت، جامعه مدنی، مردم و جامعه بیان کرد (پای، ۱۹۶۳: ۱۹). در مورد تفاوت بین جامعه مدنی، مردم و جامعه باید گفت که منظور از جامعه مدنی، مجموعه سازمان‌ها، نهادها و تشکیلات غیردولتی است که نقش واسطه بین افراد و گروه‌های اجتماعی و حکومت را برعهده دارند و در مقابل منظور از مردم و جامعه همان شهروندان هستند که جنبه غیرسازمانی و غیرتشکیلاتی دارد.

برخی از نظریه‌پردازان توسعه سیاسی استدلال کرده‌اند که توسعه سیاسی نه تنها به تحولات محیط پیرامون (حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره)، بلکه بویژه به خصوصیات ساخت قدرت و حوزه سیاسی بستگی مستقیم دارد. منظور از ساخت قدرت، نحوه اعمال قدرت حکومت بر جامعه است که می‌تواند به دو شکل ساخت قدرت یک‌جانبه و دوجانبه اعمال گردد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۹۸). از سویی می‌توان عنوان نمود که فرآیند توسعه سیاسی در جوامع امروزی در سه محور به پیش رفته است: نخست، تمرکز قدرت سیاسی و فراگیر شدن اقتدار سیاسی در سطح واحدهای کشوری؛ دوم، نهادینه شدن قدرت سیاسی و قانونمند شدن رابطه دولت و جامعه؛ سوم، دموکراتیک شدن قدرت سیاسی و مشارکت گروه‌های گوناگون اجتماعی در سیاست و حکومت (ایزنشتات، ۱۹۶۳ به نقل از دلاوری، ۱۳۹۳: ۱۰۵). مدیران و مسئولان از دهه ۵۰ به بعد، به ویژه با شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی تمام تلاش خود را برای رهایی از موانع و تنگناهای درون جامعه‌ای و برون جامعه‌ای به کار بسته‌اند، اما هنوز جامعه ایران نتوانسته خود را از قید و بند اقتصاد و سیاست پیرامونی برهاند. علت این واقعیت را از یکسو باید در ساختار و کارکرد عوامل و عناصر پدیدآورنده جامعه ایرانی و از سوی دیگر در ساختار و عملکرد عوامل برون جامعه‌ای جستجو کرد. جامعه ایران مثل همه جوامع انسانی از ترکیب پنج عنصر جغرافیایی-اقلیمی، جمعیتی، فرهنگی و سیاسی، شکل گرفته و توسعه یافته است (سیف‌الهی، ۱۳۹۰: ۳۵). لذا می‌توان تنگناها و محدودیت‌های سیاست‌های توسعه در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی را شامل مواردی همچون «وجود موانع ساختاری و مداخله بیش از حد دولت و زورمدارانه بودن و تمرکزگرایی شدید، آزمون و خطا بودن برنامه‌های توسعه در اکثر برنامه‌ها، برون‌گرا و شبه غربی بودن و الگوپذیری از سرمایه‌داری، اتکای بیش از حد سیاست‌های توسعه‌ای به نفت و تاثیرپذیری از نوسانات قیمت آن، کنار گذاشتن یکباره برنامه‌های توسعه با اراده و حاکمیت فراقانون، عدم همخوانی سیاست‌های توسعه‌ای با واقعیت‌های زندگی روزمره، غلبه سیاست‌های توسعه پوپولیستی به جای منطقی و منطبق با واقعیت بودن، نادیده گرفتن نقش سطوح زیرین جامعه و انجمن‌های مردمی (NGO)، بخشی‌نگری نگاه برنامه‌ریزی بالا به پایین» دانست (آقازاده، ۱۳۹۴: ۹؛ دیداری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵). با توجه به نظریات مطرح شده در زمینه توسعه

سیاسی ده بعد مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت، قانون‌مداری، عقلانیت و خردورزی، توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی، ظرفیت دولت، آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و امنیت روانی و سیاسی. در ادامه به ابعاد توسعه سیاسی و شاخص‌های مطرح شده از سوی صاحب‌نظران برای آنها پرداخته شده است.

جدول (۱): ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران

ابعاد و شاخص‌های مطرح شده توسعه سیاسی از سوی صاحب‌نظران		
توسعه سیاسی	نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی	عضویت در گروه‌ها سازمانی
		وجود اقلیت‌های دینی و زبانی
		استقلال دولت در مقابل گروه‌ها و نیروهای اجتماعی
		بروکراتیزه شدن نظام سیاسی
		استقلال احزاب
		وجود انجمن‌های داوطلبانه و کلوپ‌های ورزشی
		همبستگی اجتماعی
توسعه سیاسی	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت	شفافیت در نظام اداری
		تعهد در انجام وظایف
		دسترسی به اطلاعات و اسناد دولتی(-)
		نشست‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای، دیدار با عموم مردم (-)
توسعه سیاسی	قانون‌مداری	برابری همگان در برابر قانون
		عدم تبعیض قانونی
		منشور شهروندی
		اطاعت از قانون(-)
		حقوق فردی(-)
		نظارت بر دولت
		عدالت
		استقلال دادگاه‌ها(-)
		استقلال قوه قضاییه
		علم‌گرایی
		واقع‌گرایی-
		کل‌نگری-
		توسعه سیاسی
بهبود وضعیت		
برنامه محوری		
تبیین استراتژی		
تساهل و رواداری سیاسی -		
توسعه سیاسی	ظرفیت دولت	وفاق عمومی و هم‌پذیری عمومی-
		توانایی انطباق با تغییرات محیطی یا مکانیسم حل منازعه نهادمند

ابعاد و شاخص‌های مطرح شده توسعه سیاسی از سوی صاحب‌نظران		
جلوگیری از فساد سیاسی و استبداد		
نوآوری سیاسی		
خشونت زدایی از زندگی سیاسی		
اراده دولت برای گذر به دموکراسی و نهادینه سازی آن		
منابع درآمدی دولت	توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی	
توزیع درآمدها		
رشد طبقه متوسط		
تولید ناخالص داخلی		
آزادی تشکیل اجتماعات و میتینگ‌های سیاسی - آزادی بیان - آزادی مطبوعات و وسایل ارتباطی - فعالیت احزاب سیاسی - دسترسی آزادانه و برابر به تمامی منابع مادی و اجتماعی -	آزادی سیاسی	

روش‌شناسی

این تحقیق به روش تحلیل محتوا انجام شده است و در آن از داده‌های کیفی با استفاده از فرآیند کدگذاری استفاده می‌شود. تحلیل محتوا به هر رویه‌ای که برای تحلیل، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط کردن خصوصیات خاص از متن منجر می‌شود و در مواردی معنای پنهان واقع در آن هویدا شده و گاهی امکان مقایسه چندین متن را به ما می‌دهد اطلاق می‌شود (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۸). تحلیل محتوا شامل هر نوع تکنیک پژوهشی برای ساخت استنباط از طریق شناسایی منظم و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها است (هولستی^۱، ۱۹۶۸: ۶۰۱ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۰). در این روش تنها استفاده از یک نمونه بسیار کوچک موارد برای بررسی همه‌ی مواد مرتبط با یک مسئله‌ی خاص امکان‌پذیر است. در تحلیل محتوای کیفی هدف بررسی محتوای درون متن است. واحد تحلیل در تحلیل محتوا کوچکترین اجزای متن است که در آن رویدادها و توصیف مفاهیم، ویژگی‌ها و مقوله‌ها بررسی می‌شوند؛ لذا واحد تحلیل در پژوهش حاضر مواد و تبصره‌های متن برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران است. روش تحلیل در مقاله حاضر تحلیل محتوای قیاسی است؛ زمانی که محقق قصد آزمون یا بررسی صحت نظریه، مدل یا فرضیاتی را دارد از این روش استفاده می‌کند. در واقع در رویکرد قیاسی، فکر از طریق معلومات کلی، مجهولات جزئی را کشف می‌کند، یعنی از کنار هم گذاشتن واقعیات پذیرفته شده و استنتاج یک نتیجه از آن حاصل می‌شود (نتیجه‌گیری از کل به جزء). در این استدلال چنانچه مقدمه‌ها درست باشند نتیجه‌ها هم الزاماً درست خواهند بود. این رویکرد، به پژوهشگر کمک می‌کند تا با استفاده از نظریه‌های موجود پدیده‌هایی را که به وقوع می‌پیوندد پیش‌بینی کند (زنگنه و همکاران،

1. Holesti

۵:۱۳۹۴). در واقع، در تحلیل محتوای کیفی می‌توان هفت عنصر عمده را از هم تفکیک کرده و شمارش کرد. این عناصر عبارتند از کلمه، تم (یک جمله ساده)، کاراکتر (افراد و تعداد تکرار آنها)، پاراگراف، اقلام (واحد کل بیان فرستنده)، مفاهیم و نشانه‌ها را شمارش و طبقه‌بندی نمود. سپس باید طبقه‌ها و مقوله‌ها را هم جدا کرد در اینجا سه طبقه متفاوت شامل طبقه مشترک، طبقه‌بندی خاص و طبقه‌های نظری (طبقه‌هایی که در جریان تحلیل داده ظهور می‌یابند) ساخته می‌شوند (برگ^۱، ۲۰۰۶:۳۱۶). لذا می‌توان مراحل نوعی روش تحلیل محتوای کیفی را شامل هشت مرحله یا گام آماده‌سازی داده‌ها، تعریف واحد تحلیل، تعیین طرح کدبندی، آزمودن طرح کدبندی روی متن یا محتوای مورد مطالعه، کدبندی کل متن، ارزیابی همساز مقوله‌ها، استنتاج از داده‌های کدبندی شده و گزارش روش‌ها و یافته‌ها دانست (محمدپور، ۱۳۹۲:۱۰۰).

جامعه آماری تحقیق حاضر، برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران است. این برنامه‌ها ترکیبی از ماده‌ها، تبصره‌ها است و از سوی دولت‌های وقت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان سیاستگذار اصلی توسعه و نهاد وابسته بدان (سازمان برنامه و بودجه) تهیه و تدوین شده‌اند. نمونه مورد بررسی آخرین برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان برنامه ششم توسعه (۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره، بندها و اجزای قانون برنامه) است. در تحلیل محتوای کیفی، اشباع نظری^۲ میزان نمونه‌ها را تعیین می‌کند. از دیدگاه گلیر و اشتراوس^۳ (۱۹۶۷)، اشباع نظری به وضعیتی اشاره می‌کند که هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را گسترش دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را بارها و بارها مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است. زمانی که مقوله‌ای کفایت لازم خود را کسب کرد، هیچ چیز باقی نمی‌ماند، جز اینکه پژوهشگر به سراغ گروه‌های جدیدی از داده در مورد مقوله‌های دیگر برود و تلاش کند آن مقوله‌ها نیز کفایت لازم را بدست آورند. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر از نوع هدفمند هست؛ دلیل انتخاب این روش به جهت مرتبط بودن با مسئله و اهداف پژوهش است. لذا محقق از متن برنامه ششم توسعه آنچه را که بیشترین قرابت را به نظریه و شاخص‌های توسعه سیاسی داشته است، انتخاب نموده است. واحد تحلیل در تحقیق حاضر، جمله است؛ لذا تمامی جملات در قالب مواد و تبصره‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است و چنانچه در یک جمله به شاخصی از توسعه سیاسی اشاره شده بود انتخاب و در غیر این‌صورت، به جمله بعدی پرداخته و این روند بررسی جمله به جمله در کل برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران انجام پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش

1. Berg
2. theoretical saturation
3. Glaser & Strauss

با نظر به استفاده از روش تحلیل محتوای قیاسی، مفهوم توسعه سیاسی با سطح انتزاع بالا را با استفاده از تئوری‌های نظری و مطالعات تجربی به شاخص‌های با سطح انتزاع پایین‌تر تبدیل نموده و این فرآیند تا عملیاتی‌شدن شاخص‌های توسعه سیاسی ادامه یافته است. لذا در جدول (۲) در راستای پاسخگویی به دو سوال «آیا نهاد قانونگذار به مولفه‌های توسعه سیاسی «نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت، قانون‌مداری، عقلانیت و خردورزی، توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی، ظرفیت دولت، آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و امنیت روانی و سیاسی» در برنامه ششم توسعه پرداخته است؟ و در صورت پرداختن به مولفه‌های فوق، این مولفه‌ها دارای چه شاخص‌هایی است و اینکه در کدام بندهای برنامه ششم توسعه به آنها پرداخته شده است؟» به بررسی ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران پرداخته شده است:

با توجه به اطلاعات جدول (۲)، از بین ۷ شاخص مطرح شده در نظریات برای «نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی»، تنها به دو شاخص «وجود انجمن‌های داوطلبانه و کلوپ‌های ورزشی، همبستگی اجتماعی» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. از بین ۵ شاخص مطرح شده برای «مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت» در نظریات توسعه سیاسی، تنها به دو شاخص «شفافیت در نظام اداری، تعهد در انجام وظایف» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. از بین ۹ شاخص مطرح شده برای «قانون‌مداری» تنها به پنج شاخص «برابری همگان در برابر قانون، نظارت بر دولت، عدالت، استقلال قوه قضاییه، منشور شهروندی» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. از بین ۷ شاخص مطرح شده برای «عقلانیت و خردورزی» تنها به پنج شاخص «علم‌گرایی، توجه به منافع ملی، بهبود وضعیت، برنامه‌محوری و تبیین استراتژی» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. از بین ۸ شاخص مطرح شده برای «ظرفیت دولت» تنها به یک شاخص «توانایی انطباق با تغییرات محیطی یا مکانیسم حل منازعه نهادمند» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. از بین ۴ شاخص مطرح شده در نظریات برای «توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی» به هر چهار مقوله «منابع درآمدی دولت، توزیع درآمدها، رشد طبقه متوسط، تولید ناخالص داخلی» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. از بین ۶ شاخص مطرح شده در نظریات برای «امنیت روانی و سیاسی» تنها به دو شاخص «امنیت شغلی و کیفیت زندگی» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. به بعد «آزادی سیاسی» و شاخص‌های آن «آزادی تشکیل اجتماعات و جلسات سیاسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و وسایل ارتباطی، فعالیت احزاب سیاسی، دسترسی آزادانه و برابر به تمامی منابع مادی و اجتماعی و ...»، مشارکت سیاسی و شاخص‌های آن «شرکت شهروندان در امور

سیاسی، کارآمدی انتخابات، حق رأی عمومی، رأی مخفی، فرصت برابر برای بدست گرفتن قدرت، شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی در نقد نظام سیاسی و...» و رقابت سیاسی و شاخص‌های آن «مبارزات آزاد انتخاباتی، حق کاندیداتوری تمامی شهروندان، رقابت بین گروهی، تشکیل گروه نخبگان سیاسی، تسهیل شرایط رقابت واقعی، واگذاری قدرت، جلوگیری از تقلب و دستکاری در نتایج انتخابات و...» در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته نشده است.

جدول (۲): فرآیند استخراج کدهای اولیه برای ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه و مقایسه آن با نظریات مطرح شده از سوی صاحب‌نظران

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
توسعه سیاسی نهادهای و پیچیدگی ساختار اجتماعی		عضویت در گروه‌ها سازمانی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		وجود اقلیت‌های دینی و زبانی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		استقلال دولت در مقابل گروه‌ها و نیروهای اجتماعی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		بروکراتیزه شدن نظام سیاسی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		استقلال احزاب	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		وجود انجمن‌های داوطلبانه و کلوپ‌های ورزشی (ماده ۳۸، ط).		بهره‌گیری از ظرفیت‌های داوطلبانه و مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی با اولویت جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد توسط سازمان حفاظت محیط زیست (ماده ۳۸، ط).
		همبستگی اجتماعی	(ماده ۱۹)، (ماده ۲۷، الف: ۸).	دولت موظف است به منظور ارتقای مشارکت مردمی و فراهم کردن بستر اجرایی لازم برای تعاون و همکاری آحاد مردم در قالب تشکل‌های اقتصادی تعاونی نسبت به افزایش سرمایه بانک توسعه تعاون از سال اول اجرای قانون برنامه از محل فروش اموال مازاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور در قالب قوانین بودجه سنواتی به حساب افزایش سرمایه دولت در بانک مذکور منظور نماید. (ماده ۱۹).

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت		شفافیت در نظام اداری	ماده ۱۴، الف، ب، پ، ت، ث؛ ماده ۱۶، ب و پ؛ ماده ۱۷، ب؛ ماده ۱۸، ب؛ ماده ۲۵، ب؛ ماده ۲۸، الف، ب، پ، ت؛ ماده ۲۹؛ ماده ۳۹؛ ماده ۴۶، ث؛ ماده ۱۱۴؛ ۱۱۴.	به منظور افزایش سرعت و کارایی گردش حساب‌های درآمدی و هزینه‌ای دولت، شفاف سازی و ایجاد امکان نظارت برخط، بر کلیه حساب‌های دستگاه‌های اجرائی و کاهش اثرات منفی عملیات مالی دولت بر نظام بانکی، کلیه حساب‌های بانکی اعم از ریالی و ارزی برای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها، سازمان‌ها، دانشگاه‌های دولتی و اعتبارات دولتی نهادهای عمومی غیردولتی، صرفاً از طریق خزانه داری کل کشور و نزد بانک مرکزی افتتاح می‌شود. دستگاه‌های یادشده موظف‌اند کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های خود را فقط از طریق حساب‌های افتتاح شده نزد بانک مرکزی انجام دهند (ماده ۱۷. ب).
		تعهد در انجام وظایف	ماده ۱۰، الف، ب، پ، ت، ث؛ ماده ۱، الف؛ ماده ۱۲، الف، ب؛ ماده ۱۳، ماده ۱۵، ماده ۱۷، الف؛ ماده ۳۰، ماده ۳۴؛ ماده ۴۷؛ ماده ۵۷؛ ماده ۵۹، الف، پ و ت؛ ماده ۷۱؛ ماده ۷۴، الف و ز.	دولت موظف است به منظور گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها)؛ معادل کل بدهی‌های خود به اشخاص حقیقی و حقوقی که تا پایان سال ۴۰۵۹ قطعی شده یا می‌شود را به ترتیب اولویت‌هایی که به پیشنهاد سازمان مشخص می‌شود تا پایان اجرای قانون برنامه از طریق انتشار اوراق بهادار با کسب رضایت طلبکاران تسویه نماید (ماده ۱۰. الف)
		دسترسی به اطلاعات و اسناد دولتی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		نشست‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای، دیدار با عموم مردم	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
	قانون مداری	برابری همگان در برابر قانون	ماده ۱۱۵	کلیه مقامات موضوع اصل یک صد و چهل و دوم قانون اساسی موظف‌اند اموال و دارایی خود را مطابق اصل مذکور به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند. عدم اعلام اموال یا کتمان آن یا گزارش ناقص آن، جرم و مستوجب مجازات تعزیری درجه شش (محرومیت از حقوق اجتماعی) می‌باشد (ماده ۱۱۵).
		نظارت بر دولت	ماده ۷، ج، ماده ۱۶؛ ماده ۱۲۰؛ ماده ۱۲۱.	برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهارنظر نسبت به رویه‌ها و ابزارهای رایج، شیوه‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، چهارچوب قراردادهای و نحوه اجرای آن‌ها از جهت انطباق با موازین فقه اسلامی، شورای فقهی در بانک مرکزی با ترکیب؛ - پنج فقیه (مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب نظر در مسائل پولی و بانکی)، رئیس کل (یا معاون نظارتی) بانک مرکزی، یک نفر حقوقدان آشنا به مسائل پولی و بانکی و یک اقتصاددان (هر دو با معرفی رئیس کل بانک مرکزی)، یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اولویت آشنایی با بانکداری اسلامی به انتخاب مجلس شورای اسلامی (به عنوان عضو ناظر، یکی از مدیران عامل بانک‌های دولتی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود) (ماده ۱۶).
		منشور شهروندی	ماده ۱۱۶، الف	در راستای کاهش مراجعه مردم به مراجع قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات، قوه قضائیه مکلف است با همکاری دولت به منظور افزایش حل و فصل اختلافات از طریق داوری، ایجاد و توسعه نهادهای داوری و اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی و حمایت از آن‌ها تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تمهیدات لازم را پیش‌بینی نماید (ماده ۱۱۶. الف).

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
		عدالت	ماده ۱۱۰؛ ماده ۱۱۳، الف، ب	کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف اند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی برنامه ششم و تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در «سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند» همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان توسعه پایدار و متوازن، با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات بر اساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نمایند (ماده ۱۰۱).
		عدم تبعیض قانونی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		حقوق فردی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		اطاعت از قانون	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		استقلال دادگاه‌ها	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		استقلال قوه قضاییه	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
عقلانیت و خردورزی		علم‌گرایی	ماده ۴، پ، ج، چ، ز؛ ماده ۵۴؛ ماده ۶۳ الف، ب، پ، ت، ث، ج؛ ماده ۶۴ ماده ۶۶	حمایت حقوقی، مالی و نهادی لازم برای توسعه دانش و پیشرفت فناورانه و نوآورانه در جهت تجاری سازی ایده و دانش در تولید محصول و خدمات با ارزش افزوده مثبت در چهارچوب بند (۱۳) سیاست‌های کلی برنامه ششم (ماده ۴ ج)

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
		توجه به منافع ملی	ماده ۲، ت؛ ماده ۲۲، الف؛ ماده ۳۸؛ ماده ۴۰؛ ماده ۴۱؛ ماده ۴۲؛ ماده ۴۳؛ الف، ب، پ، ت؛ ماده ۴۹؛ ماده ۷۴، ر؛ ماده ۹۸؛ ماده ۱۰۵؛ ماده ۱۰۶؛ ماده ۱۰۷؛ ماده ۱۰۸ و ماده ۱۰۹.	توسعه آمادگی دفاعی و امنیتی (ماده ۲. ت). دولت مکلف است با اقدام قانونی در جهت اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌ها، محیط کسب و کار را به گونه‌ای امن، سالم، سهل و شفاف سازد تا در پایان سال چهارم اجرای قانون برنامه، رتبه ایران در دو شاخص رقابت پذیری بین‌المللی و شاخص‌های بین‌المللی حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز به رتبه سوم ارتقاء یابد و هر سال بیست درصد از این هدف محقق شود. در شاخص کسب و کار هر سال ده رتبه ارتقاء یافته و به کمتر از هفتاد در پایان اجرای قانون برنامه برسد. وزیر امور اقتصادی و دارایی مکلف است در پایان شهریور و اسفندماه هر سال، گزارش میزان تحقق حکم این بند را همراه مستندات به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید (ماده ۲۲. الف).
		بهبود وضعیت	ماده ۷، ت، ت؛ ماده ۸، الف، ب، پ، ت؛ ماده ۳۶، الف؛ ماده ۳۷؛ ماده ۴۴، الف، ب؛ ماده ۵۹، ب؛ ماده ۶۰؛ ماده ۶۱؛ ماده ۶۲؛ ماده ۷۷ (ماده ۳۶. الف).	دولت مکلف است اقدامات لازم را با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی در جهت اصلاح نظام بهره‌برداری آب آشامیدنی، بهره‌وری استحصال و بهره‌وری مصرف آن را حداقل معادل سی درصد دهد و نیز حداقل سی درصد آب آشامیدنی مناطق جنوبی کشور را از طریق شیرین کردن آب دریا تا پایان اجرای قانون برنامه تأمین نماید (ماده ۳۶. الف).
		برنامه محوری	ماده ۷؛ ماده ۱۹؛ ماده ۲۳؛ ماده ۲۷؛ الف، ب؛ ماده ۳۱؛ ماده ۴۵؛ ماده ۴۶؛ الف، ب، پ، د، ج، چ، ح، خ؛ ماده ۴۸؛ ماده ۵۱؛ ماده ۵۳؛ ماده ۵۷؛ ماده ۵۸.	دولت موظف است از سال اول اجرای قانون برنامه، سالانه اعتبارات بیست درصد دستگاه‌های اجرائی مندرج در قوانین بودجه سنواتی را به صورت بودجه ریزی بر مبنای عملکرد تنظیم نماید، به نحوی که در سال پایانی اجرای قانون برنامه، صددرصد دستگاه‌ها، دارای بودجه مبتنی بر عملکرد باشند. مفاد این بند شامل مدارس دولتی نمی‌شود (ماده ۷. پ).

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
			ماده ۶۷؛ ماده ۶۸؛ ماده ۸۱؛ ماده ۸۶؛ ماده ۸۷؛ ماده ۱۲۳؛ ماده ۱۲۴.	
		تبیین استراتژی	ماده ۲۰؛ ماده ۳۲؛ ماده ۳۳؛ ماده ۴۳.	به منظور اصلاح و تقویت نظام مالی کشور و تسهیل مبادلات مالی از طریق تأمین منابع مالی داخلی و خارجی، تمامی طرح‌های دستگاه‌های اجرایی که از تسهیلات مالی خارجی استفاده می‌کنند با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی با مسؤولیت وزیر و یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ذی‌ربط و تأیید شورای اقتصاد باید دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست محیطی باشند (ماده ۲۰).
		واقع‌گرایی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		کل‌نگری	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
	تسهل و رواداری سیاسی		-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
	وفاق عمومی و هم‌پذیری عمومی		-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
	توانایی انطباق با تغییرات محیطی یا مکانیسم حل منازعه نهادمند		ماده ۲، الف، ب، پ، ت؛ ماده ۳؛ ماده ۴ الف، ث، ذ، ر؛ ماده ۵، الف و ب؛ ماده ۳۵؛ ماده ۵۲.	موضوعات خاص راهبردی در مورد آب و محیط زیست (ماده ۲. الف) موضوعات خاص مکان محور در مورد توسعه سواحل مکران، ارونند و بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری (حاشیه شهرها و بافت‌های فرسوده)، بافت‌های تاریخی و مناطق روستایی (ماده ۲. ب).
	جلوگیری از فساد سیاسی و استبداد		-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
	نوآوری سیاسی		-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
	خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی		-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
		اراده دولت برای گذر به دموکراسی و نهادینه سازی آن	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی		منابع درآمدی دولت	ماده ۴، خ؛ ماده ۶، الف؛ ماده ۷، ب، ج.	اجازه حضور و مشارکت مؤسسات مالی و اعتباری خارجی در ایران در چهارچوب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (ماده ۴. د). چهل و چهارم (۱۱) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ و قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (ماده ۴. د).
		توزیع درآمدها	ماده ۶، ب؛ ماده ۷، ح؛ ماده ۲۶، الف و ب؛ ماده ۳۶، ب؛ ماده ۵۵؛ ماده ۵۷، الف؛ ماده ۶۳، چ و خ.	واریز وجوه حاصل از عوارض موضوع بندهای (ب)، (ج)، (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده و همچنین عوارض ارزش افزوده گاز طبیعی موضوع قانون مذکور و عوارض شماره گذاری خودروها به حساب فرمانداری شهرستان مربوطه واریز تا حسب مقررات و مصوبات کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان صرف امور عمران و آبادانی همان روستاها و مناطق عشایری شود (ماده ۶. ب).
		رشد طبقه متوسط	ماده ۳۹، الف؛ ماده ۱۱۸؛ ماده ۱۱۹.	کلیه وجوهی که به عنوان جزای نقدی یا جریمه نقدی بابت جرائم و تخلفات توسط مراجع قضائی، شبه قضائی، انتظامی و اداری و شرکت‌های دولتی اخذ می‌شود به خزانه واریز می‌گردد. دستگاه‌های ذی‌ربط حق استفاده از درآمد فوق را ندارند. دولت موظف است اعتبار موردنیاز دستگاه‌های مذکور را که از محل درآمد- هزینه تاکنون تأمین گردیده است در ردیف‌های اعتبارات عمومی بودجه سنواتی مربوطه لحاظ نماید (ماده ۱۱۸).
		تولید ناخالص داخلی	ماده ۴، ح	توسعه بازار سرمایه با تأکید بر طراحی و مهندسی ابزارهای مالی و کالایی، توسعه بازار انرژی و عرضه نفت خام و فرآورده‌های نفتی در بورس انرژی، اصلاح نهادی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های عام و نهادهای مالی (ماده ۴. ح).

مقایسه ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران با نظریات توسعه سیاسی مطرح شده از سوی صاحب‌نظران				
مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	شماره ماده و تبصره	نمونه متن ماده مربوطه
	آزادی سیاسی	آزادی تشکیل اجتماعات و جلسات سیاسی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		آزادی بیان	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		آزادی مطبوعات و وسایل ارتباطی فعالیت احزاب سیاسی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.
		دسترسی آزادانه و برابر به تمامی منابع مادی و اجتماعی	-	در برنامه ششم توسعه به این شاخص پرداخته نشده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف تحقق حاضر تحلیل محتوای قیاسی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و استخراج شاخص‌هایی برای مولفه‌های توسعه سیاسی است که از متن نظریه‌های مرتبط استخراج شده‌اند. به عبارتی، از رهگذر بررسی نظریه‌ها و شاخص‌های مطرح شده از سوی صاحب‌نظران حوزه توسعه سیاسی، محقق طی فرآیند تحلیل محتوا و با توجه به مشخص بودن متغیر و مولفه‌های توسعه سیاسی به دنبال استخراج شاخص‌ها در متن ماده و بندهای برنامه ششم توسعه بوده است. توسعه سیاسی به عنوان فرآیندی چند لایه، شامل افزایش سازمان حکومت، پویایی جامعه سیاسی، توانمند شدن جامعه مدنی و شهروندان است. در واقع توسعه این حیطه‌ها از نوسازی و تقویت نهادهای حکومتی آغاز می‌شود و سپس به روابط میان حکومت و نیروهای سیاسی تسری می‌یابد و سرانجام به روابط مدنی و حوزه‌های شهروندی کشیده می‌شود.

با نگاهی به دسته‌بندی نظریه‌های توسعه سیاسی از سوی هانتینگتون، می‌توان گفت که الگوی مدنظر جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و از سویی در برنامه ششم توسعه به نظریه تاریخ تطبیقی هانتینگتون تقریباً نزدیک است. چرا که فرهنگ، رهبری و نهاد نیز جزء موارد مهم و مورد تاکید در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز است. با توجه به اینکه در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، به بُعد نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی و شاخص‌های وجود انجمن‌های داوطلبانه و کلوب‌های ورزشی، همبستگی اجتماعی تأکید شده است؛ می‌توان عنوان نمود که پرداختن به این شاخص‌ها در برنامه فوق، همخوان با نظریه هانتینگتون مبنی بر اینکه هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد، است. با نظر به توجه قانونگذار به «شفافیت در نظام اداری و تعهد در انجام

وظایف» به عنوان شاخص‌های بُعد «مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت» می‌توان گفت که پرداختن به این شاخص‌ها در راستای تأیید نظریات توسعه سیاسی پای و بایندر است؛ چرا که پای معتقد است که توسعه سیاسی افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم است. از سویی بایندر فرآیند توسعه سیاسی را عبارت از تعامل دائمی بین فرآیندهای انفکاک‌سازی، الزامات برابری و ظرفیت همگرا، پاسخگو و سازگار شونده یک نظام سیاسی می‌داند. در بحث از قانون‌مداری در برنامه ششم توسعه به شاخص‌هایی همچون «برابری همگان در برابر قانون، نظارت بر دولت، عدالت، استقلال قوه قضاییه، منشور شهروندی» پرداخته شده است که در واقع می‌توان عنوان نمود که قانونمند شدن عرصه سیاست و ابتنای روابط جامعه و دولت بر اساس قوانین مناسب و فراگیر یکی از پیش شرط‌های توسعه سیاسی است. بررسی شاخص‌های مطرح شده در مواد و بندهای برنامه ششم توسعه برای «عقلانیت و خردورزی» بیانگر پرداختن قانونگذار به شاخص‌های «علم‌گرایی، توجه به منافع ملی، بهبود وضعیت، برنامه‌محوری و تبیین استراتژی» است؛ نتایج فوق‌مؤید نظریه توسعه سیاسی جگورایب است؛ وی توسعه سیاسی را شامل سه مولفه جهت‌گیری عقلایی، تفکیک ساختاری و قابلیت می‌داند. از بین شاخص‌های مطرح شده از سوی صاحب‌نظران حوزه توسعه سیاسی برای ظرفیت دولت، تنها به شاخص «توانایی انطباق با تغییرات محیطی یا مکانیسم حل منازعه نهادمند» پرداخته است و می‌توان گفت که پرداختن به این شاخص در راستای نظریه توسعه سیاسی پای است؛ پای معیارهای توسعه سیاسی را شامل برابری، ظرفیت، تغییر تدریجی دانسته است. در برنامه ششم برای بعد امنیت روانی و سیاسی، به شاخص‌هایی همچون امنیت شغلی و کیفیت زندگی پرداخته شده است، مقایسه این شاخص‌ها با شاخص‌های مطرح شده از سوی نظریه‌پردازان حوزه توسعه سیاسی برای بعد امنیت روانی و سیاسی مؤید تأیید نظریه توسعه سیاسی پالمر است؛ وی مولفه‌های توسعه سیاسی را شامل دولت، داشتن فرصت برابر برای تحصیلات، سلامت، امنیت و استخدام، مشارکت برابر همگان در تصمیم‌گیری سیاسی می‌داند. در برنامه ششم توسعه، به بعد توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی در قالب شاخص‌های همچون منابع درآمدی دولت، توزیع درآمدها، رشد طبقه متوسط و تولید ناخالص داخلی تأکید شده است و این بعد مؤید نظریه هانتینگتون در باب رشد اقتصادی می‌باشد؛ وی معتقد است که صنعتی‌شدن، تحرک اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی از شاخص‌های توسعه سیاسی به‌شمار می‌روند. اما نکته قابل‌تأمل در تحلیل محتوای متن برنامه ششم توسعه که ما را متوجه عدم سیستمیک بودن این برنامه می‌سازد این است که به بعد آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی و شاخص‌های آنها توجه نشده است؛ به عبارتی با وجود اهمیت این ابعاد و شاخص‌ها و تأکید نظریه‌پردازان توسعه سیاسی همچون هانتینگتون، ایزنشتات، پای و پالمر، در متن برنامه به شاخص‌های «آزادی تشکیل اجتماعات و جلسات سیاسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و وسایل ارتباطی، فعالیت احزاب سیاسی، دسترسی آزادانه و برابر به تمامی منابع مادی و اجتماعی، شرکت

شهروندان در امور سیاسی، کارآمدی انتخابات، حق رأی عمومی، رأی مخفی، فرصت برابر برای بدست گرفتن قدرت، شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی در نقد نظام سیاسی، مبارزات آزاد انتخاباتی، حق کاندیداتوری تمامی شهروندان، رقابت بین‌گروهی، تشکیل گروه نخبگان سیاسی، تسهیل شرایط رقابت واقعی، واگذاری قدرت، جلوگیری از تقلب و دستکاری در نتایج انتخابات» پرداخته نشده است.

پیشنهادات

- با نظر به کاستی‌های برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، همچون نپرداختن به مقولات مهمی مانند آزادی سیاسی و تنوع ساختاری، پیشنهاد می‌شود در صورت امکان، برنامه توسعه در موارد فوق اصلاح شود یا موارد فوق و مشابه آن حتما در برنامه بعدی لحاظ شوند. چرا که لازمه وجود دموکراسی در کشور، برخورداری مردم از آزادی سیاسی است.
- با نظر به اهمیت نقش احزاب سیاسی در فرآیند توسعه سیاسی، پیشنهاد می‌شود که فعالیت و استقلال احزاب به رسمیت شناخته شود؛ چرا که احزاب می‌توانند در اجرایی نمودن بسیاری از طرح‌های دولت به عنوان واسطه بین دولت و مردم نقش ایفا کنند و به پیشبرد خواسته‌های دولت و مردم در راستای اهداف کشور کمک نمایند.
- مادامی که مردم یک کشور به منابع مادی و اجتماعی آن دسترسی آزادانه نداشته باشند، نمی‌توان انتظار تحقق مشارکت سیاسی مثبت و هدفمند داشت که عدم تحقق موارد فوق می‌تواند مانعی برای توسعه سیاسی یک کشور باشد.
- در مواد برنامه ششم توسعه بر مقوله نظارت بر دولت توجهی نشده است؛ و این نشان از وجود رابطه یک‌سویه بین دولت و مردم دارد؛ زمانیکه مردم از این حق برخوردار باشند که بر عملکرد دولت و دولتمردان نظارت داشته باشند، در این صورت می‌توانند بیشتر در توسعه سیاسی آن تأثیرگذار باشند؛ چراکه با آگاهی از موانع و کمبودهای موجود بر سر راه تحقق اهداف دولت، می‌توانند به برطرف شدن موانع کمک نمایند.

منابع

- آفازده، علی (۱۳۹۴) مقایسه سیاست‌های شهری قبل و بعد از انقلاب، **مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشورهای اسلامی**، شبکه پژوهشگران ایرانی. آلموند، گابریل؛ پوئل، جی بینگام؛ استروم، کاره؛ دالتن، راسل (۱۳۹۶) **سیاست‌های مقایسه‌ای چارچوب نظری**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اعتباریان خوراسگانی، اکبر؛ قلی پور مقدم، فرید (۱۳۹۶) مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی، **مجله علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری**، سال اول، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۲۶.
- ایزدی، رجب؛ جیدریور اینانلو، مرتضی (۱۳۹۴) بررسی پیامدهای برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی دوره پهلوی اول و دوم و نقش آن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، **دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، سال چهارم، شماره دوم، صص ۲۷-۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵) **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران: دوره جمهوری اسلامی ایران**، تهران، موسسه نگاه معاصر.
- ترنر، مارک و هیوم، دیوید (۱۳۸۴) **حکومت‌داری، مدیریت توسعه**، چگونه دولت کارآمد داشته باشیم، ترجمه عباس منوریان، چاپ دوم، تهران، موسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی.
- جغتایی فائزه؛ موسوی، میرطاهر؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۵) **ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص ۸۸-۵۵.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۳) **الگوهای کلاسیک توسعه سیاسی**، نگاهی به تجربه اروپای غربی، **فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۲۲، صص ۱۴۰-۱۰۴.
- دیداری، چنور؛ محسنی، رضاعلی؛ بحرانی، محمد حسین (۱۳۹۸) بررسی عوامل موثر بر توسعه نامتوازن در استان کردستان با تاکید بر شاخص‌های توسعه اقتصادی، **دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۹۷-۱۶۷.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۶) **عقلانیت و توسعه یافتگی ایران**، چاپ شانزدهم، تهران، موسسه نشر فروزار روز.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۹۰) **اقتصاد سیاسی ایران: مجموعه مقاله‌ها و نظرها**، تهران، پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه‌ریزی المیزان.
- سن، آمارتیا (۱۴۰۱) **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداللهی، محمد و فیروز راد (۱۳۸۸) بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران (۱۳۰۴-۱۳۸۲)، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره دهم، شماره ۱.
- میسایی، قاسم؛ دین‌پرست، فائز؛ تقی‌پور، عباس (۱۳۹۸) بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، **پژوهش راهبردی سیاست**، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۸۴-۱۵۵.

مومنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر (۱۳۹۲) تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۲۲۲-۱۸۸.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی: ضد روش ۲، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
 نظری، سید غنی؛ بشیری گیوی، حسین و جنتی، سعید (۱۳۹۲) بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۳۸.
 واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲) درک توسعه سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران، نشر علم.

هدی، فرل (۱۹۷۸) مدیریت در کشورهای در حال توسعه. مدیریت عمومی (چشم‌انداز تطبیقی)، ترجمه حسن دانایی‌فر، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

Deutch, K. (1961), Social Mobilization and Development, **American political Science Review**, vol. L. v.pp:493-514.

Eisenstadt, Shmuel. N. (1963), **Political System of Empires**. The Free Press.

Berg, B. (2006), **Qualitative Research Methods for the Social Sciences**, New York: Allyn and Becon.

Glaser, B. G., & Strauss, A. (1967). **The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research**. Chicago: Aldine Publishing.

Gill, Graeme, (2000), **The Dynamic of Democratization Elites**, Civil Society and Transition Process, Memillan.

Huntingtons, Samuel P. (1965), Political Develop and Political Decay, **world political**, xvii.

Huntingtons, Samuel P. (1988), the change to change: Modernization, Development and Politics in Lois J. Cantori and Andrew H. Ziegler, jr., (eds), **Comparative Politics: in the post Behavioral Era**, Boulder: Colorado: Lynne Rienner Publisher, PP: 355-384.

Pye, Lucain. W, (2015), **Communications and Political Development**, (SPD-1).

Pacione, M. (207019), **Urban Geography, A Global Perspective**, 2th, London

Palmer Mont (1987). **Dilemmas of Politics**.

Pye, Lucian W. (1963). "Introduction", in Lucian Pye, (eds.), **Communications and Political Development**, Princeton: Princeton University Press.